



## معنی دشمنی همسر، فرزند و مال در قرآن

در قرآن کریم، یکی از مصادیق دشمن، به صورت جزئی و نسبی، همسران و اولاد انسان، معرفی شده اند در سوره تغابن، آیه ۱۴ آمده است: «یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عداوا لکم فاحذروهم...»: ای کسانی که ایمان آورده



نویسنده: مهدی گنجور

### ۱- دشمنی برخی از همسران و اولاد انسان

در قرآن کریم، یکی از مصادیق دشمن، به صورت جزئی و نسبی، همسران و اولاد انسان، معرفی شده اند در سوره تغابن، آیه ۱۴ آمده است: «یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عداوا لکم فاحذروهم...»: ای کسانی که ایمان آورده اید بعضی از همسران و فرزندان، دشمنان شما هستند، از آن ها بر حذر باشید... در روایتی از امام باقر (ع) در خصوص شان نزول این آیه آمده است: «منظور این است که وقتی بعضی از مردان می خواستند هجرت کنند فرزند و همسرش دامن او را می گرفتند و می گفتند: تو را به خدا سوگند که هجرت نکن، زیرا اگر بروی، ما بعد از تو بی سرپرست خواهیم شد، بعضی می پذیرفتند و می ماندند، آیه ی فوق نازل شده، آنها را از قبول این گونه پیشنهاد ها و اطاعت فرزندان و زنان در این زمینه ها بر حذر داشت.» (۱)

از آن جا که در آیات قبل از این، سخن از اطلاعات بی قید و شرط خدا و رسولش آمده و از آن جا که یکی از موانع مهم این راه، علاقه ی افراطی به اموال و همسران و فرزندان است، در این آیات به مسلمانان در این زمینه هشدار می دهد و نخست می گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید بعضی از همسران و فرزندان، دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید.» و در آیه بعد، اموال و فرزندان را فتنه و وسیله آزمایش انسان ها معرفی می کند: «انما اموالکم و اولادکم فتنه» (۲). البته نشانه های این عداوت، کم نیست. گاه انسان می خواهد اقدام به کار مثبتی هم چون هجرت کند، دامان او را می گیرند و مانع این فیض عظیم می شوند و یا می خواهد برای حق و قیام علیه باطل، بیا خیزد و جهاد کند. ولی آنها، مانع می شوند و گاه نیز انتظار مرگ انسان را می کشند تا ثروت و اموال او را تملک کنند. بدون شک نه همه ی فرزندان چنینند و نه همه ی همسران و لذا در آیه با تعبیر «من» بغضیه، به همین معنی اشاره می کند که تنها بعضی از آنها چنینند، مراقب آنها باشید.

البته این دشمنی، گاه در لباس دوستی است و به گمان خدمت است و گاه به راستی با نیت سوء و قصد عداوت انجام می گیرد و یا به قصد جلب منافع خویشتن. مهم این است که وقتی انسان بر سر دو راهی قرار می گیرد که راهی به سوی حق می رود و راهی به سوی زن و فرزند، و این دو احياناً از هم جدا شده اند، در تصمیم گیری، تردید به خود راه ندهد که رضای حق را بر همه چیز مقدم بشمارد. زیرا نجات دنیا و آخرت در آن است. (۳)

مرحوم علامه طباطبائی رحمة الله در تفسیر این آیه می فرماید: «با توجه به سیاق آیه و وابسته کردن دشمن همسران را به مؤمنین، مجموعاً علت حکم را می رساند و می فهماند که بعضی از همسران مؤمنین که با آنان دشمنی می ورزند، بدان علت می ورزند که شوهرانشان ایمان دارند و عداوت به خاطر ایمان، جز این نمی تواند علت داشته باشد، که این زنان بی ایمان می خواهند شوهران خود را از اصل ایمان و یا از اعمال صالحه ای که مقتضای ایمان است از قبیل انفاق در راه خدا و هجرت از دارالکفر بر گردانند و منصرف کنند و شوهران زیر بار نمی روند و قهراً زنان با آنان دشمنی می کنند و یا می خواهند کفر و معصیت های بزرگ از قبیل بخل و خودداری از انفاق در راه خدا را بر آنان تحمیل کنند.

چون دوست می دارند شوهران به جای علاقه مندی به راه خدا و پیشرفت دین خدا و مواسات با بندگان خدا، به اولاد و همسران خود علاقه مند باشند و برای تأمین آسایش آنان، به دزدی و غصب مال مردم دست بزنند. از نظر علامه، به همین جهت است که خدای سبحان، بعضی از فرزندان و همسران را دشمن مؤمنین شمرده، (۴) البته دشمن ایمان ایشان و از این جهت که دشمن ایمان ایشانند شوهران و پدران را وادار می کنند و مهلکه را مرتکب شوند و چه بسا مؤمنین در بعضی از خواسته های زن و فرزند به خاطر محبتی که به آنان دارند اطاعتشان کنند. و لذا در آیه شریفه می فرمایند از این گونه زنان و فرزندان حذر کنید و رضای آن ها را مقدم بر رضای خدا نگیرید. (۵)

خداوند در قرآن کریم مثال هایی برای این مصادیق دشمن آورده است؛ از جمله به خیانت و عداوت همسر نوح نبی و سر انجام سوء این دشمنی، اشاره می فرماید: «خدای تعالی برای کسانی که کافر شدند، مثلی زده و آن همسر نوح و همسر لوط است که در تحت فرمان دو نفر از بندگان صالح ما بودند و این دو زن به آن دو بنده صالح، خیانت کردند و همسریشان با پیامبران هیچ سودی برایشان نکرد و از عذاب خدا جلوگیری نشد و به ایشان گفته شد داخل آتش شوید و همان طور که بیگانگان با انبیاء داخل می شوند.» (۶)

این آیه، وضع دشمنان و کفار رادر شقاوت و هلاکت روشن نموده، بیان می کند که اگر چنین شدند به خاطر عداوت و خیانتی بود که نسبت به خدا و رسولش کردند و سر انجام دشمنی و خیانت به خدا و رسول همین است، از هر کس که می خواهد سر بزند، هر چند از کسی سر بزند که وابسته و متصل به انبیاء باشد. (۷) نمونه ای دیگر که در قرآن به آن اشاره شده، خیانت و عداوت دو نفر از همسران پیامبر اکرم (ص) است که در آیات اول سوره تحریم؛ بیان گردیده و خداوند خطاب به آن دو می فرماید: «اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، کاری از پیش نخواهید برد، چرا که خداوند مولی و یاور اوست و هم چنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان نیز بعد از آن ها پشتیبان او هستند... و ان تظاهرا علیه فان الله هو مولاة و جبریل و صالح المومنین و الملائكة بعد ذلک ظهیر» (۸). در خصوص این آیه و مصداق همسران خائن و آزار دهنده پیامبر اکرم (ص) روایتی در «صحیح بخاری» از «ابن عباس» نقل شده که می گوید: «از عمر پرسیدم آن دو نفر از همسران پیامبر که بر ضد او دست به دست داده بودند چه کسانی بودند؟ عمر گفت: حفصه و عایشه بودند.» (۹)

و اما در خصوص اولاد و فرزندان نیز مثال هایی در قرآن آمده است که دلالت بر عناد و عداوت آنها دارد و تا جایی به این مسأله تأکید داشته که در مورد پیامبران که بندگان صالح خداوند هستند و در درست کاری و اخلاق آنها تردیدی نیست، مثال زد، تا این عداوت و دشمنی از جانب آن ها قلمداد نشود. از جمله داستان نوح و مجادله ی وی با پسرش را می توان مثال زد از آن جا که پسر نوح، خود را از پدرش و مؤمنان، کنار کشیده بود و نوح، وی را که در نقطه دوری کناره گیری کرده بود، فراخواند: «وندای نوح ابنه و کان فی معزل یا بنی اربک معنا و لا تکن مع الکافرین» (۱۰)

مرحوم علامه در «المیزان» ذیل این آیه می فرماید: «و نوح (ع) در این گفتارش نفرمود: «و لاتکن من الکافرین= از کافران نباش» برای این که خیال می کرد مسلمان است. چون از نفاق دلش خبر نداشت و نمی دانست که او تنها به زبان مسلمان و مؤمن است، بدین جهت بود که او را صدا زد تا با مسلمانان باشد و سوار بر کشتی شود و خلاصه اگر بر کفر درونی پسرش اطلاع می داشت او را صدا نمی زد» (۱۱) ایشان معتقد است که اگر موج بین آن ها فاصله نمی شد و گفتگوشان ادامه می یافت، نوح به طور قطع به کفر و عداوت پسرش واقف می گشت و از او بیزار می جست. داستان معروف دیگر که بهترین قصه ها و مثال های قرآن است، داستان یوسف و برادرانش و خیانت و ظلم و دشمنی ناشی از حسادت برادران هم نسبت به یوسف (ع) و هم نسبت به پدر پیرشان، یعقوب (ع) است که به طور مفضل در قرآن و تفاسیر آمده است. (۱۲)

## ۲- دشمنی اموال

از دیگر مصادیق دشمن پنهان انسان، مال و ثروت است که خداوند در قرآن، نسبت به مصائب و عداوت پیدا و پنهان آن سخن گفته است. در سوره قصص، نمونه ای مشهور از دشمنی و عداوت مال و ثروت با انسان بیان شده، سرگذشت قارون ثروتمند و مال اندوز و درگیری بنی اسرائیل و موسی (ع) با این موجودی که مظهر تاریخی ثروت آمیخته با کبر و غرور و طغیان بود. معروف است که قارون از بستگان نزدیک موسی (پسر عمو یا پسر خاله) بود و از نظر اطلاعات و آگاهی از تورات، معلومات قابل ملاحظه ای داشت. نخست در صف مؤمنان بود ولی غرور و ثروت، او را به آغوش کفر کشید. به قعر زمین فرستاد. او را به دشمنی آشکار با پیامبر خدا و مبارزه با وی وادار کرد و مرگ عبرت انگیزش درسی برای همگان شد: «ان قارون کان من قوم موسی فیغی علیهم»، (۱۳) قارون از قوم موسی بود اما بر آنها ظلم و طغیان کرد، علت این بغی و ظلم، آن بود که ثروت سر شاری به دست آورده بود و چون ظرفیت کافی و ایمان قوی نداشت این ثروت فراوان، او را فریب داد و به انحراف و استکبار کشانید: «و اتیناه من النکور ما ان مفاتجه لتنوء بالعصبة اولی القوة» (۱۴). جزئیات و تفصیل قصه ی ثروت قارون به صورت کامل در تفاسیر عامه و خاصه و کتب معتبر تاریخی آمده است لکن از آن جا که ذکر تفصیلی آن در این نوشتار نمی گنجد و از طرفی ضرورتی به بیان جزئیات نمی باشد، به همین اشاره مختصر، اکتفا می شود. (۱۵)

پی نوشت ها :

۱. ر.ک: تفسیر «نور الثقلین»، ج ۵، ص ۳۴۲، حدیث ۲۰، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۰۳

۲. تباين(۶۴)/۱۵

۳. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۰۴

۴. تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۵۱۶-۵۱۵

۵. ر.ک: جامع النوری، (انسان و تیور۹، فصل دشمنی زن و اولاد آدمی، ص ۲۴۵-۲۴۳

۶. تحریم(۶۶) / ۱۰

۷. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۷-۵۷۵

۸. تحریم(۶۶)/۴، ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۷۸-۲۷۵

۹. صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۹۵

۱۰. هود(۱۱)/۴۲

۱۱. المیزان، ج ۱۰، ص ۵-۳۴۴

۱۲. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۱، صص ۳۲۰-۳۳۴، ۱۴۷. تفسیر نمونه، ج ۹، صص ۳۴۱، ۳۲۰

۱۳. قصص(۲۸)/۷۶

۱۴. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۶، صص ۱۶۹-۱۵۲

۱۵. برای تفصیل بیشتر ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۷۵-۱۱۰، در خصوص روایات درباره ی داستان قارون ر.ک: همان، ج ۱۶، صص ۱۲۲-۸۳، تفسیر المیزان، ج ۱۶،

صص ۱۷۰-۱۵۲

منبع: گنجور، مهدی، (۱۳۵۹)، دشمن شناسی در آینه وحی و نظام ارزشی، اصفهان، نشر حیات طیبه، ۱۳۸۹، چاپ اول.